

# حقوق بزه دیدگان و خواسته های آنان از پلیس

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۷

## میر عظیم قوام<sup>۱</sup>

### چکیده

در اثر ارتکاب جرم، آسیب‌های مادی و معنوی گوناگونی متوجه جان، مال، ناموس، آبرو و روح و روان بزه‌دیدگان و بستگان آنان می‌شود. نحوه پاسخ‌دهی مراجع دولتی به بزه‌دیدگان می‌تواند در کاهش آسیب‌های آنان مؤثر واقع شود. نقش پلیس به عنوان اولین نهادی که بزه‌دیدگان به آن مراجعه می‌کنند، در کاهش آسیب‌ها و خسارات و تأمین نیازها و خواسته‌های آنان بسیار چشمگیر و قابل توجه است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تعیین نیازها و خواسته‌های حقوقی بزه‌دیدگان از پلیس است.

**روش:** این پژوهش از نظر نوع پژوهش اسنادی است که محقق از منابع کتابخانه‌ای و مدارک موجود پژوهشی درون سازمانی و برون سازمانی در تدوین آن استفاده کرده است. همچنین از تکنیک تحلیل محتوای برای تحلیل اسناد، شاهد است و مصاحبه استفاده کرده است. جامعه آماری پژوهش را بزه‌دیدگان جرایم مختلف در کلاتری ها و اداره های پلیس آگاهی و اساتید دانشگاه علوم انتظامی رؤسای کلاتری ها و پاسگاه ها تشکیل می دهند که به صورت تصادفی ساده از بین آنها ۶۲ نفر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش را مشاهده و مصاحبه تشکیل می دهد.

**یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حق دسترسی سریع و آسان به پلیس، حق دسترسی به پلیس زن برای زنان بزه‌دیده، خوش رفتاری و مهربانی پلیس با بزه‌دیدگان، حمایت عاطفی و روانی از آنان و بالاخره کشف جرم، شناسایی و دستگیری متهمان و انجام صحیح و دقیق تحقیقات مقدماتی توسط پلیس، از دیگر حقوق و نیازها و همچنین خواسته‌های بزه‌دیدگان از پلیس می‌باشد، که لازم است از سوی پلیس مورد توجه قرار گیرند و تأمین شوند.

**نتایج:** نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین خواسته‌های بزه‌دیدگان از پلیس عبارت‌اند از: احترام به بزه‌دیده، سرعت در رسیدگی به کار بزه‌دیده، دقت در انجام تحقیقات و تشکیل پرونده، حمایت از حقوق بزه‌دیده، حضور سریع تر پلیس در صحنه جرم، سهولت در دسترسی بزه‌دیده به پلیس، شناسایی و دستگیری متهم و تأمین امنیت بزه‌دیده.

### کلید واژه‌ها:

بزه‌دیده/ خسارت / پلیس / حقوق بزه‌دیده / جرم / تحقیقات از بزه‌دیدگان.

## مقدمه

هر انسانی از حقوقی بهره‌مند است. شناسایی حقوق ذاتی، یکسان و انتقال‌ناپذیر انسان‌ها پایه آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد. این حقوق انسانی باید در چارچوب قانون حمایت شود و از رهگذر آموزش و پرورش گسترش یابد.<sup>۱</sup> بازتاب این اندیشه در قلمرو عدالت از نیمه دوم سده بیستم به این سو، رفته رفته به شناسایی حقوق متهمان و بزهدکاران در چارچوب مفهوم «دادرسی عادلانه» انجامید. سپس گستره آن در چارچوب مفهومی نو به نام «دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه»<sup>۲</sup> در دهه‌های پایانی این سده به قلمرو بزهدیدگان نیز کشانده شد. بر این اساس، بزهدیدگان شایسته بهره‌مندی از حقوق در فرآیند جنایی هستند تا بتوانند بهتر در جهت دسترسی به عدالت و جبران آسیب‌ها و زیان دیدگی‌های خود اقدام کنند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۴۹).

بزه دیده که در اثر جرم دچار آسیب‌های گوناگون مادی و معنوی می‌شود، ابتدا به پلیس مراجعه می‌کند و با توجه به مشکلات روحی و عاطفی و همچنین نگرانی و اضطراب او، نیازمند آن است که اولین نهادی که با او سروکار دارد، در جهت حمایت از او و کاستن از دامنه آسیب‌هایی که از ناحیه جرم متوجه او شده است، اقدامات شایسته‌ای انجام دهد.

پلیس، نقش مهمی در کاستن آسیب‌های مادی و معنوی بزهدیده و حمایت قانونی از او دارد. این حمایت می‌تواند به صورت توجه به حقوق و کرامت انسانی بزهدیده، توجه به نگرانی‌ها و آلام بزهدیده، ابراز همدردی و همدلی با وی و نیز شناسایی و دستگیری مجرم و انجام صحیح تحقیقات مقدماتی و حمایت از حقوق قانونی بزهدیده تجلی پیدا کند.

از سوی دیگر، بزهدیده از لحظه وقوع جرم تا رسیدگی نهایی به آن، به شکل‌های مختلفی در تعامل با پلیس است. قدرت قانونی پلیس و اختیاراتی که به عنوان ضابطه قوه قضاییه دارد و نقش بسیار مهمی که در کشف جرم، تشکیل پرونده و تحقیقات

۱- مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر

مقدماتی دارد و به نوبه خود تأثیر زیادی بر مراحل بعدی تحقیق و تصمیمات و احکام صادره از سوی مقامات قضایی دارد، همگی نشان می‌دهد که نوع عملکرد پلیس در برابر حقوق و خواسته های بزه‌دیدگان، اهمیت فراوانی دارد. اقدامات صحیح، سریع و دقیق پلیس در رعایت این حقوق و خواسته‌ها، منجر به کاهش آسیب‌های بزه‌دیده شده و متقابلاً عملکرد نادرست پلیس می‌تواند به تشدید آسیب‌های بزه‌دیده منجر شود.

در این تحقیق حقوق و نیازهای گوناگون بزه‌دیدگان را برشمرده و خواسته های آنان از پلیس را تشریح خواهیم‌کرد. این خواسته‌ها، مستخرج از مصاحبه‌هایی است که با تعدادی از بزه‌دیدگان، کارشناسان و متخصصان علوم انتظامی و نیز رؤسای کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها داشته‌ایم.

### روش تحقیق

در این تحقیق از چهار روش زیر استفاده شده است:

۱- روش اسنادی: بخشی از مطالب این تحقیق از طریق روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این راستا از منابع کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی مختلف درون سازمانی (دانشگاه علوم انتظامی، دفاتر تحقیقاتی، دانشکده‌ها، معاونت‌های پژوهشی) و برون سازمانی (کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی کشور) استفاده شده است.

۲- روش مشاهده: در این تحقیق، محقق با حضور در ۳۱ کلانتری و ۷ اداره آگاهی در پنج شهر تهران، کرمان، اراک، ورامین و اسلامشهر به مشاهده حالت‌ها و روحیه‌های بزه‌دیدگان و بستگان آنان پرداخته است.

۳- روش مصاحبه: به منظور تقویت جنبه میدانی تحقیق و دست یابی بدون واسطه و دقیق به نیازها و خواسته های بزه‌دیدگان، محقق با ۶۲ نفر از بزه‌دیدگان جرایم مختلف در کلانتری‌ها و اداره‌های آگاهی مصاحبه کرده و خواسته های آنان را از زبان خودشان شنیده و ثبت کرده است. همچنین با ۶ نفر از اساتید دانشگاه علوم انتظامی

و کارشناسان انتظامی و نیز رؤسای کلاتری‌ها و پاسگاه‌ها نیز مصاحبه عمقی و گروهی کرده و نیازها و خواسته‌های بزه دیدگان را از منظر آنان نیز جویا شده است. ۴- روش تحلیل محتوا: آخرین روشی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، تحلیل محتوای تحقیقات اسنادی، مشاهدات و مطالب مستخرجه از مصاحبه‌ها است.

### چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری تحقیق در قالب دیدگاه مکاتب مختلف جرم شناختی نسبت به بزه‌دیده قابل تبیین است. بررسی مکاتب مختلف جرم شناختی، به ما کمک می‌کند تا از دیدگاه و نگرش آن‌ها نسبت به بزه‌دیده مطلع شویم. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که مکاتب گوناگون جرم شناختی، هر یک تا چه میزان به بزه دیده و حقوق او توجه کرده‌اند. برخی مکاتب جرم شناختی کانون توجه خود را به جرم، برخی به مجرم و برخی نیز تا حدودی به بزه دیده متمرکز کرده‌اند. البته توجه به بزه‌دیده، در مکاتب معاصر بیشتر به چشم می‌خورد.

یکی از ویژگی‌های تحولات نسبتاً جدید علوم جنایی این است که پس از ملحوظ داشتن عمل مجرمانه و سپس شخص مجرم، توجه خود را معطوف به بزه‌دیده می‌کند. این تحول موجب ایجاد علمی نوین به نام «مجنی علیه شناسی» شده است و سپس رشته دیگری به نام «حمایت از بزه دیده» که موضوع آن توجه به خسارت وارده و جبران آن است، به «مجنی علیه شناسی» منضم شد. نتیجه منطقی این افکار در توجه به تضمین هرچه بیشتر حقوق زیان‌دیده از جرم و تأمین مؤثر جبران خسارت از وی متجلی شد (آنسل، ۱۳۷۰: ۱۳۹). اینک به تفکیک، دیدگاه‌های مکاتب جرم‌شناختی را نسبت به بزه دیده و توجه به خواسته‌ها و نیازهای او تشریح می‌کنیم:

#### ۱- جایگاه بزه‌دیده در مکتب کلاسیک

انتشار افکار اندیشمندانی چون شارل منتسکیو<sup>۱</sup>، ژان ژاک روسو<sup>۱</sup>، سزار بکاریا<sup>۲</sup> و جرمی بنتام<sup>۳</sup> موجب تحول فکری عمیقی در حقوق جزا و پیدایش مکتبی به نام

1. charls montesquieu

مکتب کلاسیک شد. تثبیت اصول مهمی چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل تساوی کیفر، اصل شخصی بودن مجازات‌ها و ضرورت اعتدال و ملایمت در کیفر از دستاوردهای مهم این مکتب محسوب می‌شود.

علی‌رغم تأثیرات مثبت این اصول در اجرای صحیح عدالت، توجه افراطی بانیان مکتب کلاسیک به ماهیت عینی جرم و مجازات و تأکید بیش از حد بر اراده آزاد مجرم، آنان را از پرداختن به مطالعه در مورد بزه‌دیده بازداشته است.

همچنین تشفی خاطر بزه‌دیده و جبران خسارات وی که روزی به عنوان فلسفه مشروعیت مجازات مطرح بوده است، جای خود را به فایده اجتماعی می‌دهد و عمل جانی آن‌گونه که «ژان ژاک روسو» مدعی شده است، طغیان در برابر جامعه و وطن تلقی شده، و مجازات جانی به خاطر تدوام حیات جامعه و نه احقاق حقوق بزه‌دیده مطرح شود. بدین ترتیب در مکتب کلاسیک موقعیت حقوقی بزه‌دیدگان رسماً تحت‌الشعاع مصالح و فواید اجتماعی قرار گرفته است (توجهی، ۱۳۷۷: ۴۹).

## ۲- جایگاه بزه‌دیده در مکتب تحقیقی

بی‌توجهی بانیان مکتب کلاسیک به شخصیت مجرم و علل بزهکاری و غیرمنصفانه بودن مجازات‌های ثابت، زمینه نقد و بررسی این مکتب را فراهم کرد. مهم‌ترین دستاورد مکتب تحقیقی آغاز حرکتی جدید در راستای شناسایی علل پدیده مجرمانه و مطالعه شخصیت بزهکار است. با وجود این، شیوه شناسایی علل بزهکاری در این مکتب، شیوه‌ای جامع و متوجه همه ابعاد بزهکاری نبوده است؛ زیرا لمبروزو به عنوان یکی از بانیان این مکتب علل بزهکاری را در درون شخص بزهکار و ویژگی‌های جسمی و روحی او جست‌وجو کرده است و انریکو فری چهره برجسته دیگران مکتب، در تشریح علل بزهکاری، عنایت خاصی به عوامل اجتماعی و اقتصادی مبذول کرده و تلاش گاروفالو نیز بر بررسی حالت خطرناک و مطالعه و تشریح حالت‌های ضد اجتماعی بزهکار و میزان انطباق وی با جامعه متمرکز گردیده است.

1. Jean-Jacques Rousseau

2. Cesare Beccaria

3. Jeremy Bentham

در نتیجه، بنیان مکتب تحقیقی در کشف علل بزهکاری از توجه به بزه‌دیده که یکی از رؤس اصلی مثلث بزهکاری (یعنی بزه، بزهکار و بزه‌دیده) را تشکیل می‌دهد، غفلت ورزیده و موجب شده بزه‌دیده جایگاهی در این مکتب نداشته باشد. البته در بُعد حمایت از بزه‌دیدگان و ضرورت بهبود سرنوشت آنان، بنیان این مکتب به ویژه فری و کاروفالو نظریاتی ارائه کرده‌اند(همان: ۵۱).

### ۳- جایگاه بزه‌دیده در مکاتب دفاع اجتماعی

انتقادهای وارد شده بر اراده آزاد مورد ادعای مکتب کلاسیک و نظریات جبرگرایانه بنیان مکتب تحقیقی، زمینه ساز ظهور مکاتب جدیدی گردید. مکتب دفاع اجتماعی آدولف پرنس<sup>۱</sup>، مکتب دفاع اجتماعی افراطی به رهبری فیلیپوگراماتیکا<sup>۲</sup> و مکتب دفاع اجتماعی نوین به رهبری مارک آنسل<sup>۳</sup> از مهم‌ترین مکاتب جزایی هستند که پس از مکتب تحقیقی پدید آمده‌اند.

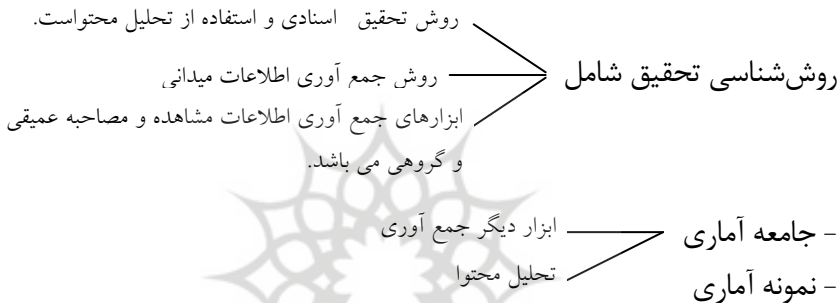
اندیشه و تلاش بنیان این مکاتب بیشتر متوجه ماهیت عینی جرم، شخصیت مجرم و واکنش اجتماعی مناسب در برابر جرم بوده است. این امر موجب شده است عنصر بزه‌دیده و موضوع بزه دیده‌شناسی از دیدگاه بنیان این مکاتب نیز مخفی و همچنان در ابهام باقی بماند(همان: ۵۲).

### ۴- جایگاه بزه‌دیده در مکاتب چپ‌گرایی و جمهوری خواه

برخلاف بسیاری از نظریه‌های جرم‌شناسی گذشته و معاصر که کانون تحلیل آن‌ها بزهکار است، دو نظریه جرم‌شناختی واقع‌گرایی چپ و نظریه جمهوری خواه به بزه‌دیده نیز توجه کرده‌اند. توجه به درد و رنج بزه‌دیدگان و پرداختن به نیازهای بزه‌دیدگان و برآورده ساختن آن‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های عملکرد نظام جزایی نظریه جرم‌شناختی واقع‌گرایی چپ می‌باشد. واقع‌گرایان چپ با ارائه طرح "چهار ضلعی جرم" مدعی شده‌اند که صورت دادن برخوردی همه‌جانبه با پدیده جرم،

1. Adolfe prins  
2. Gramatica  
3. Mark Ancel

نیازمند آن است که تمامی چهار بعد آن (یعنی پلیس، مردم، بزه دیده و مجرم) مورد عنایت محققان قرار بگیرد. واقع گرایان چپ به جای برخورد با علل جرم، به کنترل جرم تأکید دارند. در نظریه جرم شناختی جمهوری خواه نیز منزلت حاکمیت بزه دیده به عنوان یکی از کانون های تحلیل این نظریه مورد توجه قرار گرفته است. به نظر آنان، برای بازگرداندن حاکمیت پیشین بزه دیده به او (یعنی حاکمیتی که نه فقط ممکن است نادیده گرفته شود، که می تواند تحقیر شده یا از بین برود) وجود نوعی الگوی پرداخت خسارت در ازای ضرری که به او وارد آمده، ضروری است (راب وایت و هینز، ۱۳۸۶: ۳۶۳ - ۳۲۸).



### پیشینه تحقیق

براساس بررسی های به عمل آمده، تحقیق مستقلی با این عنوان صورت نگرفته است. با این حال در برخی تحقیقات، پایان نامه ها، کتب و مقالات، مباحث و موضوعاتی در ارتباط با عنوان مقاله وجود دارد که به مهم ترین موارد آن اشاره می شود:

- ۱- تحقیق «ابعاد و شاخص های کیفیت خدمات انتظامی کلانتری ها از دیدگاه مردم» که توسط عبدالله مجیدی و قاسم انصاری صورت گرفته است.
- ۲- تحقیق «سنجش رضایت مردم از رفتار کارکنان کلانتری های تهران بزرگ» که توسط مهدی رشیدی و محمد قاسمی صورت گرفته است.
- ۳- پایان نامه دکتر محمد فرجی ها با عنوان «حمایت پلیس از بزه دیدگان جرایم».
- ۴- پایان نامه کارشناسی ارشد مهدی یوسفی مراغه با عنوان «ارایه خدمات به بزه دیدگان در فرآیند جنایی».

- ۵- کتاب «بزه دیده در فرآیند کیفری» تألیف مهرداد رایجیان اصلی.
- ۶- مقاله سمیه حسامی با عنوان «حمایت از زنان بزه دیده خشونت خانوادگی در تحقیقات پلیسی».
- ۷- مقاله مریم عباچی با عنوان «پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر کودکان با تأکید بر نقش پلیس».
- ۸- مقاله عبدالعلی توجهی با عنوان «جایگاه حمایت از بزه‌دیده در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی».

### حقوق بزه‌دیدگان

#### ۱- توجه به بزه‌دیده و حقوق او

قوانین و مقررات بسیاری از کشورها و نیز مطالعات و تحقیقات تا حدود زیادی بزه‌کار محور بوده‌اند و به حقوق مختلف او اشاره کرده‌اند مثل حق داشتن وکیل، رسیدگی به جرایم در دادگاه‌ها به صورت علنی و ... اما در کنار آن نیازمند گونه‌های متعدد حمایت از بزه‌دیدگان هستیم که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا همان‌طور که بزه‌کار حق دارد وکیل تسخیری داشته باشد، بزه دیده هم باید وکیل داشته باشد تا با وجود آسیب‌های ناشی از جرم، مجبور نباشد شخصاً به دفاع از خویش بپردازد یا با هزینه شخصی خود اقدام به اخذ وکیل کند تا عدالت در مورد جرم ارتكابی اجرا شود.

بزه دیده کسی است که به رغم تحمل بزه، در چرخ دنده‌های عدالت کیفری افتاده و اگر نظام عدالت کیفری و اجزا و عناصر آن، او را به رسمیت نشناسند و حقوق او را مورد تأیید قرار ندهند، بدون تردید مشمول بزه‌دیدگی مضاعف خواهد شد. از آن جمله است حقوقی که بزه‌دیده در مرحله رسیدگی و تحقیقات و تعقیب‌هایی که توسط پلیس صورت می‌گیرد از آن‌ها برخوردار است (مجله حقوقی، ۱۳۸۴: ۳۶).

در شناسایی نیازها و حقوق بزه‌دیده باید بین نیازها و حقوق مشترک همه بزه‌دیدگان و نیازها و حقوق خاص تفکیک قایل شویم. خاص بودن تحت تأثیر



مؤلفه‌ها و عوامل مختلفی از جمله نوع جرم، مکان و زمان ارتکاب جرم است. به عنوان نمونه، کسانی که در روستاها یا شهرهای کوچک جرم علیه‌شان اتفاق می‌افتد همواره همان نیازی را که یک بزه‌دیده در شهرهای بزرگ مانند تهران دارد، ندارند. در شهرهای کوچک، به خاطر همبستگی قوی‌تر اجتماعی و شناخت بیشتری که مردم از هم دارند، یک بزه‌دیده ممکن است آسیب عاطفی بیشتری متحمل شود تا کسی که در شهر بزرگ تری که این همبستگی وجود ندارد یا ضعیف‌تر است، بزه‌دیده واقع شود.

به اعتبار سن بزه‌دیدگان، جنسیت بزه‌دیدگان یا نوع جرم نیز نیازها خاص می‌شوند. برای مثال، در بحث نوع جرم، طبیعی است کسی که بزه‌دیده‌تجاوز به عنف است، نیازش با کسی که مالش را از دست داده یکسان نیست. چنین شخصی بیشتر نیاز به حمایت عاطفی و روانی دارد، در حالی که مال‌باخته نیاز به جبران خسارت دارد (مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۴: ۲۹).

بزه‌دیدگان مستحق دریافت حمایت در زمینه‌های زیر می‌باشند:

- حمایت کیفری: این نوع حمایت از بزه‌دیده از رهگذر جرم‌انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری مناسب صورت می‌گیرد.
- حمایت مالی: حمایت مالی به مفهوم جبران خسارت مالی و مادی بزه‌دیده است که از راه‌هایی مانند برگرداندن مال، پرداخت پول یا هزینه‌هایی که بزه‌دیده به دنبال وقوع جرم متحمل آن می‌شود، صورت می‌پذیرد.
- حمایت پزشکی: درمان پزشکی برجسته‌ترین حمایت برای جبران آسیب‌های بدنی و روانی است.
- حمایت عاطفی و حیثیتی: کمک‌های روان‌شناسانه‌ای است که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزه‌دیده انجام می‌شود.
- حمایت حقوقی: پیش‌بینی ساز و کارهایی برای احقاق حق بزه‌دیده و دسترسی به عدالت و جبران آسیب‌ها و زیان‌های اوست.

• حمایت اجتماعی: حمایتی است که حکومت و دولت با همه نیروهای خود به همراه جامعه مدنی در چارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی در راه حمایت از بزه‌دیده انجام می‌دهد.

پلیس در فرآیند انواع حمایت‌های مذکور، البته با درجه‌های متفاوت، دخالت و نقش دارد. این نقش به‌ویژه در حمایت‌های حقوقی، کیفری، عاطفی و حیثیتی چشمگیرتر است. براساس ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه، قوه قضائیه ملزم شده است لوائح مختلفی از جمله لایحه حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند (مجموعه قوانین و مقررات، ۱۳۸۳: ۱۵).

## ۲- توجه به کرامت انسانی بزه‌دیده

منظور از رفتار کرامت مدار با بزه‌دیده، رعایت کرامت انسانی، رفتار توأم با احترام، گرمی داشتن و رعایت شأن انسانی او می‌باشد. رعایت کرامت بزه‌دیده مستلزم شناسایی نیازهای او، حق دادخواهی، جبران آسیب‌های مادی و معنوی و ارائه خدمات قضایی و غیرقضایی به او در فرآیند عدالت کیفری است. این رفتار، اعتماد بزه‌دیده را تقویت می‌کند، او می‌داند در مواجهه با بزه‌دیدگی تنها نیست و جامعه از وی حمایت می‌کند. ترس از عدم حمایت و رفتار نامناسب در مراحل مختلف عدالت کیفری، از مواجهه با پلیس تا دادسرا و دادگاه، خود موجب ناملایمات و بزه‌دیدگی دیگری است که بزه‌دیده خود را در معرض آن احساس می‌کند.

رفتار توأم با احترام، این حس را در بزه‌دیده تقویت می‌کند که نیازهایش شناسایی، خساراتش جبران و دوباره به جامعه باز می‌گردد و دیگر در معرض بزه‌دیدگی قرار نخواهد گرفت. نتیجه دیگر، اعتماد بزه‌دیده به دستگاه عدالت کیفری است. او دیگر خود را بیگانه احساس نمی‌کند، در معرفی بزهکاران همکاری می‌کند، توصیه‌ها و مشاوره‌های کارکنان دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس، دادسرا و دادگاه را به صلاح خود تشخیص داده و احساس مثبتی راجع به جامعه پیدا می‌کند (شیری، ۱۳۸۶: ۱۹).

در اسلام نیز بر کرامت انسان تأکید شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»<sup>۱</sup> یعنی به یقین ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم. این آیه تبیین کننده اصل تکریم در مناسبات انسانی و روابط اجتماعی است. این کرامت اختصاص به انسان‌های درستکار و مؤمن ندارد و جنس بشر را صرف نظر از خوب یا بد بودن شامل می‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۲۶۱). بنابراین با جنس بشر، صرف نظر از اینکه بزه دیده باشد یا بزه‌کار، باید با احترام رفتار شود. این کرامت ذاتی است و تحت هیچ عنوان قابل سلب نیست. در بند ۶ اصل دوم قانون اساسی ج.ا.ا. نیز آمده است: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به ..... ۶- کرامت و ارزش والای انسان....»

در ماده چهارم اعلامیه «اصول پایه در مورد عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت»<sup>۲</sup> که به موجب قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده، آمده است: «با بزه‌دیدگان باید با همدردی و احترام به کرامت آنان رفتار شود. آنها مستحق دسترسی به سازوکاری قضایی و نیز جبران خسارات وارده به ایشان بر مبنای قوانین ملی هستند.»

باتوجه به مشاهداتی که محقق خود در کلانتری‌ها و اداره‌های پلیس آگاهی داشته است، برخی از مصادیق رعایت یا عدم رعایت کرامت و احترام بزه‌دیده به شرح زیر به چشم می‌خورد:

در برخی کلانتری‌ها، بزه‌دیدگان تا ساعت ۸ یا ۸/۳۰ صبح جلوی درب کلانتری نگه داشته شده و به آنان اجازه ورود نمی‌دادند تا بتوانند کار خود را پیگیری کنند. این اقدام در گرما و سرما موجب اذیت بزه‌دیدگان و بستگان آنان شده و مجبور می‌شدند مدتی را به صورت ایستاده در کنار خیابان سپری کنند. چنین برخوردی با کرامت انسانی بزه دیدگان سازگاری ندارد.

در برخی کلانتری‌ها، پیشخوان طولی در نظر گرفته شده و در پشت آن سه تا پنج مأمور کلانتری نشسته بودند و در طرف مقابل آن‌ها بزه‌دیدگان ایستاده یا

۱ - سوره اسراء آیه ۷۰

2. Declaration of Basic principles of justice for victims of crime and abuse of power.

می‌نشستند. در این روش صدای همه به یکدیگر می‌رسید و برخی بزهدیدگان به ویژه زنان نمی‌توانستند به راحتی مطالب خود را بیان کنند و از اینکه صدایشان توسط دیگران شنیده می‌شد، معذب بودند. در برخی کلانتری‌ها وضع از این هم بدتر بود و اصلاً پیشخوانی وجود نداشت بلکه در هر اتاقی دو یا سه میز وجود داشت و در مقابل آنها بزهدیدگان می‌نشستند یا حلقه می‌زدند و با مأموران صحبت می‌کردند. در این موارد وضع آشفته‌تر بوده و همه مزاحم یکدیگر بوده و در جریان پرونده سایرین قرار می‌گرفتند. این نوع برخورد با بزهدیدگان نیز دور از شأن و حرمت آنان بود.

متقابلاً در برخی کلانتری‌ها در راستای رعایت حرمت و احترام به کرامت انسانی بزهدیدگان، اقدامات خوب و مفیدی شده بود. در سالن مراجعان تلویزیون یا ال.سی.دی نصب شده و روشن بود تا مشغول تماشا شوند. در برخی کلانتری‌ها نیز یک میز و صندلی گذاشته شده بود تا بزهدیدگان و شاکیان بتوانند گزارش‌ها، شکایات و فرم‌های ثبت اظهارات خود را بر روی آن تنظیم کنند. همچنین میز و صندلی‌های مناسب و فراوانی را در سالنی تمیز و مرتب چیده بودند تا بزهدیدگان و بستگان‌شان در حالت انتظار از آنها استفاده کنند.

این مشاهدات حاکی از آن است که اولاً سیاست یکسانی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها نسبت به برخورد پلیس با بزهدیدگان و مراجعان وجود ندارد. ثانیاً برخی کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها به کرامت انسانی بزهدیدگان توجه کرده و رفتار مأموران پلیس با آنان توأم با احترام و رعایت شأن انسانی است و متقابلاً در برخی کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها توجه لازم به کرامت انسانی بزهدیدگان نمی‌شود.

### ۳- توجه به نگرانی‌ها و آلام بزهدیده

توجه به نگرانی‌ها و آلام بزهدیدگان یکی از مسائل مهم و از حقوق و نیازهای انسانی و اخلاقی آنان محسوب می‌شود. محقق در بخش تحقیقات میدانی خود، با حضوری که در ۳۸ کلانتری و اداره آگاهی داشته است، شاهد چهره‌های غمگین و نگران بزهدیدگان یا بستگان‌شان و حالت ابهام‌آمیز آنان از سرانجام پرونده‌شان بوده است.

بزه دیده باید حق داشته باشد تا نگرانی های خود را در مرحله های گوناگون فرایند جنایی، به ویژه درباره آثار جرم بر خود و زمانی که در منافع شخصی اش مؤثر است، بیان کند. یکی از ترتیباتی که نظام های حقوقی گوناگون برای اجرای این حق آشکار به کار می بندند، به کارگیری فرم های «اظهارات بزه دیده درباره آثار جرم بر خود»<sup>۱</sup> است که بر پایه آن، بزه دیده می تواند گزارش کاملی از آثار جرم روی داده بر خود تنظیم و به دادگاه ارائه کند. این گزارش ممکن است کتبی یا شفاهی باشد و در هر صورت باید اطلاعات و خدمات کافی و مناسبی برای دادن این گزارش در اختیار بزه دیده قرار گیرد.

در این گزارش، افزون بر مواردی مانند نام بزه دیده و بزهکار و عنوان جرم روی داده، باید شرح کاملی از آسیب های مالی، بدنی، روانی و عاطفی که جرم رخ داده به بزه دیده وارد ساخته، آورده شود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۲).

در ایران، مواد ۷۳ و ۱۹۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ این حق را به شاکی (بزه دیده) داده که هنگام تحقیقات با معرفی گواهان، دلایل خود را نیز اظهار و دعوای ضرر و زیان مالی خویش را مطرح کند. همچنین ماده ۱۹۳ قانون مذکور رسیدگی به دعوا را مستلزم استماع اظهارات شاکی (بزه دیده) و مدعی خصوصی یا وکلای آنها معرفی می کند.

در بسیاری از نظام های حقوقی، نیازها، دغدغه ها و حقوق بزه دیدگان آن گونه که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. نیاز فوری به فراهم کردن شیوه های جبران کارآمدتر و سازوکارهای حمایتی برای بزه دیدگان وجود دارد تا آنان را توانا سازد که به نظام عدالت دسترسی پیدا کرده و به گونه ای مؤثر در آن مشارکت کنند. این مسئله حساس کردن دست اندرکاران نسبت به نیازها و دغدغه های معین بزه دیدگان را نیز دربر می گیرد.

باید توجه داشت که نگرانی ها و آلام بزه دیده فقط با ضمانت اجرای کیفری قابل رفع نیست. برای مثال، کودکی که مورد آزار جنسی قرار می گیرد فقط نیاز ندارد که این رفتار جرم تلقی شده و مجرم مجازات شود، بلکه در جریان تحقیق و دادرسی و

1. Victim Impact Statements.

پس از آن نیازهای عاطفی و روانی شدیدی دارد. در پاره‌ای از جرایم علیه کودکان، هم خود کودک و هم خانواده‌اش نیاز به مشاوره دارند.

در مصاحبه‌ای که در مرودشت در ارتباط با فردی که تحت عنوان سلطان وحشت، صورت گرفته بود، پدر یکی از بچه‌هایی که مورد تجاوز قرار گرفته بود، می‌گوید: ما واقعاً به اینکه ایشان اعدام شود نیاز نداریم مهم این است که به ما کمک کنند با این مسئله کنار بیاییم؛ زیرا هم ما و هم بچه‌مان، شبها کابوس می‌بینیم. مدرسه هم که می‌خواهد برود مشکلاتی دارد. شاید به همین دلایل بوده که برخی از اینها نیامده‌اند بزه‌دیده شدنشان را اطلاع دهند تا آثار بعدی را هم متحمل نشوند (مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۴: ۳۳).

#### ۴- توجه به نظرات و دیدگاه‌های بزه دیده

در شمار فزاینده‌ای از نظام‌های حقوقی که در آنجا بزه‌دیده حق تعقیب ندارد، می‌تواند از رهگذر فرم اظهارات بزه‌دیده درباره تأثیر جرم بر خود یا فرم دیدگاه‌های بزه‌دیده اطلاعاتی را فراهم کند. از این فرم‌ها در کانادا، نیوزیلند، ایالات متحده آمریکا و بخش‌هایی از استرالیا و ایرلند استفاده می‌شود. این اطلاعات معمولاً پیش از صدور حکم در اختیار دادرس قرار می‌گیرد.

فرم دیدگاه‌های بزه‌دیده فرصتی را برای بزه دیده نه تنها جهت توضیح تأثیر جرم بر خود، بلکه آنچه به نظر وی باید در این باره انجام داد، فراهم می‌کند. در این گونه نظام‌های حقوقی، این نکته خاطر نشان شده که افزایش مجازات الزاماً به سود بزه‌دیدگان نیست. فرم دیدگاه‌های بزه‌دیده فرصتی را به بزه‌دیدگان جهت مشارکت مستقیم ارایه می‌دهد و اطلاعات فراهم شده برای دادگاه می‌تواند در رسیدن به راه حل عادلانه‌تر کمک کند و تا حد امکان خواسته‌های بزه‌دیدگان تأمین شود (مرکز بین‌المللی... ۱۳۸۴: ۸۴).

نکته مهم دیگر تشخیص مرحله مناسب برای ارائه دیدگاه‌های بزه‌دیدگان است. بررسی‌هایی که در بسیاری از کشورها در این زمینه انجام شده، نشان می‌دهد که تصمیم‌های گرفته‌شده درباره آزادی متهم به قید کفالت یا وثیقه، تصمیم‌های مربوط

به پیگرد و نیز جبران خسارت، از مرحله‌هایی است که برای ارائه دیدگاه‌های بزه‌دیدگان مناسب دانسته شده‌اند. همچنین برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، این حق را به بزه‌دیده داده‌اند که از حکم مناسب برای متهم و آزادی او از زندان بر پایه آزادی مشروط آگاه شود تا بتواند دیدگاه‌ها و گفته‌های خود را در این زمینه در دادگاه مطرح و ارایه کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۲).

در نظام عدالت جنایی ایران، به تناسب مبلغ تأمین صادر شده با خسارت‌های مورد درخواست بزه دیده<sup>۱</sup> و پرداخت یا قرار پرداخت ضرر و زیان بزه دیده، به منزله یکی از شرط‌های آزادی مشروط<sup>۲</sup> اشاره شده است.

برای بسیاری از بزه‌دیدگان، تجربه بزه‌دیدگی رویداد دور از انتظاری است که زندگی آنان را مختل می‌کند و بزه‌دیدگان ممکن است با از دست دادن آشکار تسلط خود از پا درآیند. ممکن است آنان نگران این مسئله نیز باشند که واکنش‌های فوری‌شان مانند ترس، خشم، وحشت یا احساسات دیگر، امری نامعقول است. ممکن است از انتقام به سبب گزارش دادن رویداد بترسند.

### ۵- همدردی و همدلی با بزه‌دیده

از آنجا که پلیس اولین گروه از مقامات عدالت کیفری است که بزه‌دیده با آنان مواجه می‌شود، رفتار کرامت مدار پلیس و همدردی با بزه‌دیده در ایجاد آرامش و امنیت برای وی حایز اهمیت خاصی است. حمایت‌های عاطفی و روانی از بزه‌دیده، اهمیت فراوانی دارد. بزه‌دیده نیاز دارد که به صحبت‌هایش گوش داده شود و فرصت صحبت کردن در مورد دردهایی که در اثر جرم برای وی ایجاد شده را داشته باشد و احساساتش مورد توجه و تأیید قرار گیرد.

سرزنش بزه دیده، بر میزان نگرانی و ناراحتی او افزوده و آرامش را از او سلب می‌کند. بنابراین هرگز نباید بزه‌دیده فردی بی‌مبالات، ترسو و ضعیف خوانده شود، بلکه بر عکس، باید با همدلی و ابراز همدردی با او، موجبات تسکین و آرامش او را

۱- ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری

۲- بند ۳ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی

فراهم کرد. پلیس و سایر دستگاه‌های عدالت کیفری و حتی بستگان و دوستان و آشنایان باید درد و ناراحتی بزه دیده را درد و ناراحتی خود تلقی کرده و با او همراهی نمایند.

بزه‌دیده نیازمند است کسانی که با او سرو کار دارند، او را به صبر و تحمل دعوت کرده و به او امید بدهند. به گونه‌ای که بزه‌دیده همه چیز را پایان یافته تلقی نکرده و از زندگی و آینده خویش ناامید نشود. بزه‌دیده نیازمند آن است که پلیس یا سایر دستگاه‌های عدالت کیفری و نیز خویشان و دوستان، او را در کنار خود نشانده و با مهربانی و عطوفت، به خوبی و با حوصله فراوان به اظهاراتش گوش فرا بدهند. بزه‌دیده نیازمند آن است که احساس کند که تنها نیست و جامعه، پلیس، دستگاه قضایی و بستگان و دوستان، همگی پشتیبان او بوده و از وی در برابر بزه‌کار و بزه‌دیدگی حمایت کرده و تلاش خواهند کرد آسیب‌ها و لطمات ناشی از جرم را به حداقل ممکن کاهش بدهند.

## ۶- حفظ هویت و آبروی بزه‌دیده و بستگان او

از دیگر حقوق و نیازهای بزه دیده، حفظ هویت و آبروی او توسط پلیس و مراجع قضایی است. این نیاز مخصوص بزه‌دیده نبوده، بلکه هویت و آبروی نزدیکان و بستگان او نیز نیازمند حفاظت می‌باشد. در برخی موارد، افشای هویت بزه‌دیده، خطراتی را برای جان او یا بستگانش به‌دنبال خواهد داشت، یا موجب ورود صدماتی به حیثیت و آبروی وی و بستگانش می‌شود.

در فرآیند رسیدگی به پرونده چه در واحدهای پلیس (کلانتری‌ها، پاسگاه‌ها و اداره‌های پلیس آگاهی) و چه در مراجع قضایی (دادسرا و دادگاه) یا سایر دستگاه‌های ذی‌ربط همانند پزشکی قانونی، بیمارستان‌ها و ... اطلاعات و مشخصات زیادی از بزه‌دیده یا بستگانش وجود دارد که افشای آنها ممکن است خطرات جانی و مالی برای بزه‌دیده یا بستگانش داشته باشد یا اینکه به حیثیت و آبروی آن‌ها لطمه بزند.

افشای اطلاعات و هویت بزه‌دیده ممکن است تعمدی باشد یا اینکه در اثر سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی دست اندرکاران و کسانی باشد که به پرونده و اطلاعات



بزه‌دیده دسترسی دارند، که در هر دو صورت لازم است اقدامات نظارتی و کنترلی لازم از سوی مسئولان مربوط صورت گرفته و از افشای هویت و مشخصات بزه‌دیده و بستگانش جلوگیری شود.

حفظ آبروی بزه‌دیده یا بستگان وی، به ویژه در جرایم علیه اخلاق و عفت از اهمیت بیشتری برخوردار است و هرگونه قصور و بی‌مبالاتی از سوی دست‌اندرکاران ذی‌ربط که منجر به افشای مطالب پرونده و اتفاقاتی که در فرآیند بزه‌دیدگی رخ داده است، بشود؛ وضعیت نامساعد روحی و روانی بزه‌دیده و حتی بستگان وی را تشدید کرده و میزان آسیب‌های ناشی از جرم را افزایش می‌دهد.

مراحل گوناگون فرآیند جنایی باید به گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی وی در او احساس امنیت ایجاد کند. به همین منظور نام، آدرس اقامتگاه، محل کار، شماره تلفن و دیگر مشخصات بزه‌دیده را نباید فاش کرد و هرگونه تصمیمی در این باره را باید به دادگاه سپرد.

حفظ اسناد و مدارک مربوط به هویت و مشخصات فردی و خانوادگی بزه‌دیده و اطرافیان او و شهود و فاش نکردن آدرس محل زندگی یا کار آنان و اطرافیانی که پیوند عاطفی و صمیمی با آنان دارند، یکی دیگر از حمایت‌هایی است که بزه‌دیدگان و شهود آنان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

مهم‌ترین راه‌هایی که از رهگذر آن‌ها می‌توان حفاظت از هویت بزه‌دیدگان را بهتر تضمین کرد عبارت‌اند از:

- گرفتن تعهد کتبی از مقامات و مأموران تازه وارد و تذکر به همه نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی که به گونه‌ای با بزه‌دیدگان در ارتباط هستند، برای حفاظت از هویت بزه‌دیدگان.
- برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای کارکنان جهت آموزش نحوه حفاظت از هویت بزه‌دیدگان.
- اطمینان از اینکه سیستم‌های بایگان و رایانه‌ای به سیستم‌های امنیتی مجهز هستند و به خوبی از اطلاعات شخص مربوط به بزه‌دیدگان محافظت می‌نمایند.

در مستندات قانونی در مورد حفظ هویت و آبروی بزه دیدگان و بستگان آنان، تنها ماده ای که به صراحت به آن اشاره دارد، ماده ۶۴۸ ق.م.ا است که براساس آن کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند (که مأموران پلیس از جمله این افراد می باشند) هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند.

دو مورد دیگری که در قوانین به صورت غیر مستقیم و کلی به این موضوع اشاره دارند، یکی بند ۴ ماده واحده قانون حقوق شهروندی است که مأموران پلیس را موظف کرده است در اجرای وظایف محوله، با دادخواهان و مطلعان از وقایع، اخلاق و موازین اسلامی را کاملاً رعایت کنند. و مسلماً حفظ اسرار دادخواهان یکی از وظایف اخلاقی و موازین اسلامی محسوب می شود. مورد دیگر ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری است که حداقل در برخی موارد، تحقیقات مقدماتی را محرمانه تلقی کرده است و بدیهی است که مسائل محرمانه را نباید افشا کرد.

## ۷- تأمین امنیت

یکی از حقوق بزه دیده تأمین امنیت وی و گواهان او در فرآیند جنایی است. به همین منظور باید تدابیری برای کاهش نگرانی های بزه دیدگان و تضمین امنیت آنان اندیشید. این تدابیر باید نخست به سوی سلامت بدنی و سپس سلامت روانی و عاطفی بزه دیده جهت یافته باشد. وانگهی هرگونه احساس ناامنی در بزه دیده ممکن است به یک بحران پس از بزه دیدگی بینجامد که در صورت بی توجهی امکان دارد به شکل یک آسیب روانی یا درد و رنج عاطفی تازه یا پیشرفته درآید.

این تأمین امنیت نه تنها بزه دیدگان بلکه گواهان آنان را نیز در برمی گیرد. البته در بسیاری از موارد از آنجا که خود بزه دیده بهترین منبع اطلاعات درباره رویداد جنایی به شمار می رود، ممکن است به منزله گواه در فرآیند جنایی شرکت کند. از این رو، هرچه بزه دیده، بیشتر احساس امنیت کند، گرایش بیشتری به همکاری در نقش یک گواه از خود نشان خواهد داد.

- از سوی دیگر، پس از بزه دیدگی باید دید آیا بزه دیده احساس امنیت می کند یا خیر. ممکن است بزه دیده در شرایط زیر احساس امنیت نکند:
- بزه دیده در موقعیتی قرار دارد که می تواند مصاحبه پلیس را با فرد حمله کننده و بزهکار ببیند یا بشنود.
  - با بزه دیده در همان محلی مصاحبه شود که حمله و تعرض به او روی داده است.
  - به بزه دیده فرصت عوض کردن لباس پاره شده یا گمشده داده نشود.
  - بزه دیده گرسنه، سرمازده یا ناراحت باشد.
  - بزهکار و مهاجم دستگیر نشده و تهدید به برگشت کرده باشد.
  - مرتکب جرم و بزهکار برای بزه دیده شناخته شده باشد.
  - خانواده یا دوستان یا گواهان بزه دیده تهدید شده باشند.
- هر یک از این وضعیتها می تواند در بزه دیده احساس ناامنی ایجاد کند حتی اگر مأموران پلیس یا کارکنان امنیتی حضور داشته باشند.
- برای برخی از بزه دیدگان و بازماندگان، امنیت دیگران نیز اولویت دارد. اگر زن و شوهری در خیابان مورد سرقت همراه با آزار و اذیت قرار گرفته باشند، هریک از آنان ممکن است بیشتر برای دیگری نگران باشد تا برای خود. پدر و مادران اغلب در مورد سلامت کودکان خود بیشتر نگران هستند تا سلامت خودشان.
- برای اطمینان یافتن از اینکه بزه دیدگان یا بازماندگان احساس ایمنی و امنیت می کنند، موارد زیر پیشنهاد می شود:
- نشستن هنگام صحبت کردن.
  - پرسیدن این مطلب از بزه دیدگان یا بازماندگان که هنگام صحبت کردن با آنان کجا بهترین احساس ایمنی را دارند و سپس رفتن به آن مکان.
  - دادن اطمینان خاطر دوباره در صورتی که بزه دیده احساس ایمنی می کند.
  - دور نگه داشتن رسانه ها از بزه دیدگان یا بازماندگان یا کمک به آنان برای پاسخگویی به پرسش های رسانه ها.

- اگر آنان افراد مورد علاقه‌ای دارند که نگران آن‌ها می‌باشند، تا حد امکان اطلاعات بسیاری درباره ایمنی افراد مورد علاقه شان برای آنان فراهم شود (مرکز بین‌المللی...، ۱۳۸۴: ۴۷- ۴۶).

## ۸- حفاظت از بزه‌دیده در رویارویی با متهم

از آنجا که در طی مراحل تحقیقات و انجام دادرسی؛ بزه‌دیده و متهم در جلسات مختلفی شرکت می‌کنند تا به مواردی پاسخگو باشند، طبیعی است که طرفین جرم در این جلسات رو در رو می‌شوند و ممکن است بزه‌دیده مورد آسیب و صدمه واقع شود یا از لحاظ روحی یا عاطفی دچار اختلال شده و حضور در جلسات برای او زجرآور و غیرقابل تحمل باشد. همین موارد در مورد شهود بزه‌دیدگان هم صدق می‌کند.

تا آنجا که ممکن است، باید از رویارویی بزه‌دیده یا گواهان او با متهم در فرآیند جنایی جلوگیری کرد. در غیر این صورت، هنگام رویارویی باید از آنان حفاظت و مراقبت کرد. این حفاظت، از آسیب‌های احتمالی به بزه‌دیده پیشگیری می‌کند و به ویژه برای بزه‌دیدگانی که دارای پیوند خانوادگی یا دوستی با متهم هستند، بسیار اهمیت دارد. به همین منظور می‌توان اتاق‌های ویژه‌ای برای انتظار بزه‌دیدگان و گواهان آنان پیش‌بینی کرد یا راه‌های خروجی مناسبی برای آنان در ساختمان دادگاه در نظر گرفت که جامعه عمل پوشاندن به آنها بر دوش پلیس و دستگاه قضایی است.

در برخی موارد نظیر جرایم خانوادگی بعد از شکایت، امکان زندگی زوجه در منزل زوج یا فرزند در خانه والدین وجود ندارد. آنان ممکن است مورد بزه‌دیدگی مجدد قرار گیرند. انتقال آنان به مکانی امن در منازل بستگان، آشنایان یا مکان‌های دولتی و غیردولتی ضروری است. معمولاً این وظیفه برعهده پلیس است که چنین بزه‌دیدگانی را به حال خود رها نسازد.

## ۹- حفاظت از بزه‌دیده در برابر خطر تهدید

تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان آنان نه تنها در گرو پیش‌بینی تدابیری برای جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی هنگام رویارویی با متهم است، بلکه فراتر از آن در بردارنده تدابیری برای پیشگیری از تهدیدها یا اقدام‌های تلافی‌جویانه متهم یا خانواده و دوستان اوست. از آنجا که این تهدیدها یا اقدام‌های تلافی‌جویانه در بزه‌دیدگان و گواهان آنان احساس ناامنی ایجاد می‌کند، ضابطان دادگستری و در رأس آن‌ها نیروی انتظامی موظفند همه تدابیر لازم را برای ایجاد احساس امنیت در بزه‌دیدگان و گواهانشان در برابر متهم و وابستگان او به کار بندند.

حفاظت از بزه‌دیده در برابر متهم، صرفاً در زمان رویارویی در جلسات رسیدگی نیست، به بیان دیگر دستگاه عدالت کیفری فقط مسئول تأمین امنیت در مجتمع‌های پلیسی و قضایی نبوده، بلکه خارج از این محوطه هم، بزه‌دیده و شهود وی باید احساس امنیت کنند و در برابر تهدیدها و اقدامات تلافی‌جویانه متهم و اطرافیان او مصون باشند. حفاظت از محل استقرار بزه‌دیده مانند بیمارستان و حفاظت از خودرو او نیز شامل این موضوع می‌شود. لذا تدابیر لازم برای پیشگیری از این رویدادها ضروری است و دستگاه پلیس باید تدابیر و ابزارهای لازم را برای ایجاد احساس امنیت در بزه‌دیدگان و گواهان آنان در برابر متهم و اطرافیان او به کار گیرد. البته فراتر از سیاست جنایی اجرایی و قضایی که دستگاه پلیس و دستگاه قضایی می‌توانند دستورهای لازم را در زمینه تأمین امنیت صادر کنند، در سطح سیاست جنایی تقنینی نیز از طریق جرم‌انگاری و پاسخ‌های مناسب می‌توان به این اهداف هرچه بیشتر نزدیک شد. برای نمونه در فرانسه تهدید و ارباب بزه دیده برای انصراف از شکایت، یکی از جرایم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود و از این طریق بزه‌دیده با تضمین بیشتری به پیگیری روند تعقیب کیفری می‌پردازد (کوشا، ۱۳۸۱: ۳۵).

متهم یاد دیگرانی که از جانب وی اقدام می‌کنند، ممکن است درصدد تهدید بزه‌دیده برای بازداشتن وی از توسل به نظام عدالت بوده یا در اقدامی تلافی‌جویانه بزه دیده را به دلیل گزارش موضوع به مقام‌های قانونی، مورد آزار و اذیت قرار دهند.

این امر به ویژه هنگامی خطرناک است که بزه‌دیده و مجرم ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ مانند اینکه اعضای یک خانواده‌اند یا در یک محل کار می‌کنند. به ویژه برای حمایت از بزه‌دیدگان آسیب پذیر تمهید ویژه‌ای باید انجام شود. برای نمونه در پرونده‌های خشونت خانگی در اتریش، پلیس می‌تواند قرار مبنی بر الزام متهم به دورماندن از خانه تا دو هفته صادر کند. در چند نظام حقوقی دیگر، دادگاه می‌تواند دستور مشابهی صادر کند (مرکز بین‌المللی ...، ۱۳۸۴: ۷۷).

هرچند در اکثر جرایم، بزهکار ممکن است تهدید جدی علیه بزه دیده محسوب نشود، ولی در جرایمی که مرتکب عضو یک باند یا سازمان تبهکاری است یا ارتباط بزهکار با بزه‌دیده به دلیل ارتباط شغلی، خانوادگی و محلی زیاد است، بزه دیده در معرض خطر مجدد بزهکاری و تهدید از طرف بزهکار قرار دارد.

در این حالت بزه دیده یا از طرح شکایت خودداری می‌کند یا در صورت شکایت، ممکن است در خطر آسیب مجدد از طرف بزهکار یا نزدیکان و وابستگان قرار گیرد. در این موارد بزه‌دیده نیازمند به حمایت مضاعف، حفاظت و مراقبت از طرف پلیس و مقامات قضایی در تمامی مراحل دادرسی است (شیری، ۱۳۸۶: ۲۴).

#### ۱۰- حق دسترسی سریع به پلیس

دسترسی به نهادهای دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس، دادسرا، دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور باید سریع و آسان باشد. بزه دیده باید بتواند در کوتاه‌ترین زمان و کمترین فاصله مکانی شکایت خویش را مطرح و آن را پیگیری کند.

استقرار پلیس در اماکن عمومی، اختصاص تلفن‌های شبانه‌روزی برای پاسخگویی به بزه دیدگان، گسترش کلانتری‌ها در مکان‌های پرجمعیت، پاسگاه‌های سیار و نظایر آن، دسترسی به اولین ملجا و پناهگاه را برای بزه‌دیدگان آسان و ممکن می‌سازد. بزه‌دیده حق دارد در برابر بزه‌دیدگی مورد حمایت پلیس قرار گیرد.

اعزام سریع پلیس به محل وقوع جرم برای دریافت شکایت و ارایه راهنمایی‌های لازم و نیز حفظ صحنه جرم، جمع‌آوری ادله جرم، تنظیم صورت مجلس در محل،

همراهی بزه دیده تا مراکز درمانی و اعزام مأموران پلیس زن در جرایم جنسی و خانوادگی از دیگر حقوق بزه دیده می باشد. تشکیل پلیس ۱۱۰ و امکان برقراری تماس تلفنی بزه دیدگان با پلیس از جمله اقدامات پلیس ایران در تأمین این نیاز بزه دیدگان است.

### ۱۱- مداخله پلیس در بحران پس از بزه دیدگی

این مداخله در گرو تضمین ایمنی و امنیت بزه دیدگان است و همزمان باید فرصتی را برای بزه دیدگان جهت مطرح کردن یا گفتن داستان های خود درباره آنچه روی داده و واکنش های شان نسبت به آن رویداد، اطمینان از درستی واکنش های آنان و آماده کردن خود برای پرداختن به پیامدهای آن رویداد فراهم کند.

اگر بحران پس از بزه دیدگی به شکل یک آسیب بدنی یا روانی باشد، مداخله در بحران باید با توجه به نیاز بزه دیده به کمک فوری یا عادی پزشکی انجام شود. وانگهی اگر درد و رنج عاطفی برخاسته از جرم نشانه ای از این بحران باشد، با چیرگی احساس ناامنی بر بزه دیده ممکن است به بزه دیدگی دومین بینجامد. رویارویی بزه دیده با بزه کار، رسیدگی به وضع بزه دیده در صحنه جرم، تهدیدهای بعدی بزه دیده یا خانواده و دیگر بستگان او مهم ترین علت های این احساس ناامنی هستند.

گاهی لازم است که از رهگذر شیوه هایی چون ابراز و تأیید با بزه دیده همدردی کرد. ابراز احساسات بزه دیده و تأیید پاره ای از نگرانی های او می تواند در مهار بحران و پیشگیری از گسترش آثار بزه دیدگی نقش داشته باشد. سرانجام مداخله در بحران باید با آماده کردن بزه دیده برای رویارویی با دشواری هایی که ممکن است در آینده برایش پیش آید، به او کمک کند. از این رو، آگاه سازی بزه دیدگان از بزه روی داده و پیامدهای آن، مهم ترین عامل برای تحقق این کمک رسانی است.

امروزه برنامه های مداخله در بحران شکل های گوناگونی دارد که برجسته ترین گونه های آن عبارتند از: مداخله در بحران پلیس مدار<sup>۱</sup>، مداخله فوری در بحران یا

1. Police- Based Crisis Intervention.

مداخله در بحران در بخش اورژانس بیمارستان‌ها<sup>۱</sup> و برنامه‌های خطوط ویژه تلفنی مداخله در بحران<sup>۲</sup> (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۷۳).

بدین ترتیب در فرآیند مداخله پلیس در بحران پس از بزه دیدگی، بزه دیده حق دارد:

- در برابر بزه دیدگی مجدد مورد حمایت پلیس قرار گیرد.
- در صورت وارد شدن آسیب بدنی به او، در صحنه جرم برایش تیم پزشکی اعزام شود.
- تا رسیدن به مراکز درمانی، بزه دیده توسط پلیس همراهی شود.
- در جرایم جنسی و خانوادگی، پلیس و مأمور زن اعزام شود.
- از بزه دیدگان کودک، سالمند و افراد در معرض خطر مراقبت شده و به مکان امن هدایت شوند و نیز نسبت به تأمین دارو، غذا و پوشاک آنان اقدام لازم صورت پذیرد.
- از اموال بزه دیده که همراه او می باشد یا در صحنه جرم مانده است، حفاظت شود.

## ۱۲- رسیدگی عادلانه و مناسب و در زمان معقول

بزه دیده حق دارد بلافاصله شکایت او توسط پلیس ثبت شده و به آن رسیدگی گردد. و فرقی ندارد که شکایت شفاهی باشد یا کتبی، لذا پلیس حق ندارد به بهانه اینکه بزه دیده کتباً شکایت نکرده از ثبت شکایت او و شروع به رسیدگی خودداری کند. حتی در جرایم مشهود، بدون شکایت بزه دیده نیز پلیس باید شروع به رسیدگی کند. ماده ۶۵ ق. آ. د. د. ع. ا شکایت شاکی را یکی از جهات قانونی برای شروع به تحقیقات معرفی کرده است. و براساس ماده ۷۱ قانون مذکور: «قضات ذی ربط و ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود.»

1. Emergency Crisis Intervention/or/Intervention in the Emergency room.  
2. Intervention Techniques by Telephone Hotline Programs.



پلیس باید نسبت به شکایات براساس واقعیات و طبق قانون، بدون هیچ گونه محدودیت، اعمال نفوذ بی جا، اغوا، فشار، تهدید یا دخالت مسقیم یا غیرمستقیم از سوی هر منبع رسیدگی کند. مأموران پلیس باید در نهایت بی طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر طرفین پرونده است، بی طرفی کامل را رعایت کرده و از هرگونه جانبداری نسبت به یکی از آنها خودداری کنند.

امروزه یکی از اصول دادرسی عادلانه، رسیدگی به دعوای بزه دیده در زمان متناسب و معقول است. بزه دیده که با وقوع جرم آسیب دیده، توانایی اش برای ادامه زندگی دشوار گردیده، باید بتواند در زمان مناسبی خسارت هایش را جبران شده ببیند و به وضعیت قبل از بزه دیدگی اش بازگردد. هراندازه تعقیب بزهکار و متعاقباً محاکمه و رسیدگی به ضرر و زیان بزه دیده به درازا بکشد، به همان میزان آسیب های وارده به وی تشدید خواهد شد. ضمن اینکه بزهکاری که دستگاه عدالت کیفری را ناتوان از تعقیب خویش مشاهده کند، نسبت به ارتکاب دوباره بزهکاری تشویق می شود و همواره تهدیدی برای شهروندان محسوب می شود.

برای حفظ دلایل جرم، جلوگیری از مخفی شدن یا فرار متهم و رعایت حقوق بزه دیده، سرعت در تعقیب ضروری است. کوتاهی در انجام وظایف مربوط به تعقیب ممکن است برای همیشه بزه دیده را از رسیدن به حقش محروم کند. بنابراین لازم است تعقیب در زمان معقول و متناسب با جهات مذکور به عمل آید (شیری، ۱۳۸۶: ۵۱).

در صدر ماده ۱۸ ق. آ. د. د. ع. آمده است: «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم ..... و بلافاصله.....» در ماده یاد شده واژه های «به محض» و «بلافاصله» نشان می دهد هیچ گونه تأخیر در تعقیب توسط ضابطان پذیرفته نیست. ماده ۷۱ قانون مذکور نیز در این باره مقرر می دارد: «... ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند...» و بالاخره در ماده ۲۰ قانون یاد شده آمده است: «ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضایی تعیین می کند نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام کنند.»

### ۱۳- آگاهی از حقوق خود و حق دسترسی به پرونده

آگاه سازی یا اطلاع رسانی یکی از آشکارترین حقوق بزه دیده و یکی از مهم ترین راه های پاسخگویی به نیازهای وی است. باتوجه به گوناگونی مرحله های فرآیند جنایی و نقش و جایگاه حساس بزه دیده در آن، این آگاه سازی جنبه های گوناگونی به خود می گیرد؛ به گونه ای که می توان از اطلاع رسانی به بزه دیدگان درباره نقش و قلمرو خود موقعیت بزه کار، زمان بندی و روند رسیدگی ها و وضعیت پرونده های خود - به ویژه در مورد جرم های شدید و زمانی که چنین اطلاعاتی را درخواست کرده باشند - سخن گفت.

بزه دیدگاه حق دارند که در نخستین فرصت از خدمات و راه های موجود جبران آثار بزه دیدگی خود آگاه شوند. زیرا در این صورت می توانند امکانات موجود برای احقاق حق و جبران را بهتر برآورد و گزینش کنند. این آگاه سازی درباره بزه دیدگان خاص اهمیت بیشتری می یابد؛ زیرا باید با شرایط ویژه آنان سازگار باشد. برای نمونه، آگاه سازی کودک بزه دیده از خدمات و راه های موجود جبران آثار بزه دیدگی باید به سرپرست یا نماینده قانونی او اعلام شود.

اطلاع رسانی درباره روند تحقیقات جنایی جنبه دیگری از آگاه سازی بزه دیدگان است که در صورت درخواست بزه دیده باید انجام شود، مگر آنکه روند تحقیقات را با خطر یا مشکلی رو به رو سازد که در این صورت باید از انجام آن پرهیز کرد. همین موضوع درباره اطلاع رسانی در مورد پیگرد متهم نیز درست است که آگاه سازی بزه دیدگان از اتهام یا اتهام های وارد بر متهم، تاریخ و مکان رسیدگی به اتهام های متهم و مانند آن را در برمی گیرد.

نکته مهم درباره آگاه سازی بزه دیدگان این است که اطلاعات درخواست شده باید با روش هایی مانند انتشار جزوه، پوستر، بروشور یا به کمک شبکه های رایانه ای (پایگاه های اینترنتی) در اختیار آنان قرار گیرد. بر همین پایه، برخی از کشورها (مانند برزیل، فرانسه و نیجریه) و سازمان های داوطلب به انتشار کتاب ها یا بروشور هایی پرداخته اند که مطالب اصلی آیین دادرسی را در برداشته و حقوق و تعهد های بزه دیدگان را توصیف می کنند. پاره ای از کشورها (مانند انگلستان) هم در

جست‌وجوی تضمین این موضوع هستند که مأموران قضایی و اجرایی اطلاعات به موقعی را درباره آیین دادرسی و پرونده‌ها در اختیار بزه دیدگان بگذارند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰).

در مورد افرادی که برای بار اول بزه‌دیده واقع شده‌اند و از این نظر تجربه کافی در مورد بزه‌دیدگی ندارند، نقش پلیس مضاعف خواهد بود. راهنمایی‌های لازم در خصوص نحوه جمع‌آوری دلایل، مانند مراجعه به پزشکی قانونی در مورد آسیب‌های جسمانی، تنظیم شکایت کیفری و اخذ دستور از مقام قضایی، حفظ، جمع‌آوری دلایل ارتکاب جرم، معرفی شهود و نظایر این‌ها، اهم مواردی است که پلیس بلافاصله پس از مواجهه با بزه دیده باید برای وی توضیح دهد.

حق دسترسی به پرونده از دیگر حقوق بزه دیده است. پلیس و مقامات قضایی معمولاً در فرآیند عدالت کیفری بزه دیده را در جریان پرونده قرار نمی‌دهند و بزه‌دیده حق دسترسی به پرونده و آگاهی از محتویات آن را ندارد. در حالی که اگر بزه‌دیده در جریان قرار گیرد، احتمال بیشتری هست که روش نظام عدالت را منصفانه تلقی کرده و احساس کند که مقامات قانونی با احترام و شأن انسانی با او رفتار کرده‌اند. در مورد امکان آگاهی بزه دیده از پرونده در نزد پلیس، در مقررات ایران مطلبی نیامده است و اصولاً پلیس ایران بدون دستور مقام قضایی اجازه دسترسی به پرونده را نمی‌دهد. ولی براساس ماده ۷۳ ق. آ. د. د. ع. ا.<sup>۱</sup> امکان آگاهی از محتویات پرونده در نزد پلیس، از طریق مقامات قضایی برای بزه‌دیده وجود دارد (شیری، ۱۳۸۶: ۵۱).

#### ۱۴- حق مشارکت در فرآیند کیفری

بی‌گمان بزه‌دیدگان نقش مهمی در به‌حرکت در آوردن چرخ‌های فرآیند عدالت جنایی دارند. بدون مشارکت بزه دیده این چرخ‌ها از حرکت باز می‌ایستند. کم و بیش در همه نظام‌های حقوقی شمار گسترده‌ای از پرونده‌ها به دنبال گزارش‌های

۱- ماده ۷۳ ق. آ. د. د. ع. ا: شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و دلایل خود را اظهار نماید و نیز از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد، پس از پرداخت هزینه، رونوشت بگیرد.

بزه‌دیدگان و نه به ابتکار پلیس، تشکیل می‌شوند. این موضوع برای نمونه در بریتانیا بسیار نمود دارد که در آن نقش بزه دیده در فرآیند عدالت جنایی به طور عمده به گزارش جرم روی داده یا گردآوری و ارایه دلیل و مدرک مربوط به آن محدود است. نقش چشمگیر بزه‌دیده در چنین نظام‌هایی با این واقعیت پیوند می‌خورد که بیشتر جرم‌ها از رهگذر بزه‌دیده به اطلاع پلیس می‌رسد تا از رهگذر عملیات شناسایی یا گشت زنی پلیس، وانگهی پژوهش‌ها نشان داده که خیلی از جرم‌ها بر پایه اطلاعات به‌دست آمده از بزه‌دیدگان حل و فصل می‌شوند تا به کمک یا سرپرستی کارآگاهان و مأموران پلیس.

همه بزه‌دیدگان باید به نظام عدالت دسترسی داشته باشند. نتایج پاره‌ای از مطالعات نشان می‌دهد که یکی از علت‌های نارضایتی بزه‌دیدگان از نظام عدالت جنایی به روش‌های رسیدگی و چگونگی عملکرد این نظام، به ویژه مشارکت نداشتن آنان در فرآیند عدالت و تصمیم‌گیری‌ها مربوط است. امروزه شمار موافقان مشارکت بزه دیده در فرآیند عدالت رو به فزونی است؛ زیرا اگر «دادرسی عادلانه» ایجاد می‌کند که متهمان یا بزه‌کاران و خانواده‌ها یا وابستگان آنان از حقوق مشخصی در فرآیند جنایی بهره‌مند باشند، «رفتار منصفانه» نیز اقتضا می‌کند تا بزه‌دیدگان هم با بهره‌مندی از حقوق مشخص، امکان مشارکت بیشتر در فرآیند عدالت را پیدا کنند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۷۵ و ۷۴).

امکان مشارکت بزه‌دیده در تصمیم‌گیری درباره پرونده بحث‌های فراوانی را در بسیاری از نظام‌های حقوقی موجب شده است. هرچند اهمیت و درستی مشارکت کامل بزه‌دیده در رسیدگی‌های سنتی و میانجی‌گری، سازش و رسیدگی‌های مدنی به گونه‌ای گسترده شناخته شده در بسیاری از نظام‌های حقوقی این وضعیت در مورد رسیدگی‌های کیفری متفاوت است. در این نظام‌های حقوقی، رسیدگی کیفری را حکومت علیه متهم انجام داده و مداخله بزه‌دیده در چنین رسیدگی‌هایی به دلایلی چند غیرمنصفانه انگاشته می‌شود.

در نظام کیفری اسلام نیز عمدتاً تعقیب و کیفر مجرمان با دولت اسلامی است. در عین حال، این صلاحیت مطلق نبوده و در خصوص جرایمی که حیثیت خصوصی

آن‌ها غالب است، ابتکار عمل در تعقیب مجرم و مطالبه کیفر او از مرجع عمومی به قربانی داده شده است. در این جرایم قربانی حق دارد، دعوای کیفری را راه بیندازد یا از تعقیب مجرم صرف نظر کند، پس از تعقیب از او درگذرد یا با او مصالحه کند یا مجازات قانونی او را از مراجع قضایی درخواست نماید (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد جرایم حق الناسی جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید، دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد یا بارعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر کند.

### ۱۵- فراهم کردن ساز و کارهای جبران خسارت

چنانچه بزه روی داده، افزون بر برهم زدن نظم عمومی به زیان دیدگی بزه‌دیده بینجامد، وی می‌تواند نسبت به جبران این زیان دیدگی اقدام کند. این جبران در وهله نخست یعنی جبران خسارت، که عبارت است از برگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان وارد شده، پرداخت هزینه‌هایی که بزه دیده به دنبال بزه‌دیدگی به آن دچار شده و انجام خدمات و اعاده وضع یا اعاده حیثیت و توان بخشی بزه‌دیده را نیز در بر می‌گیرد که اصولاً به دوش بزه‌کار یا دیگر اشخاصی است که پاسخگوی رفتار بزه‌کارند.

ولی چنانچه این خسارت را بزه‌کار یا دیگر منابع (مانند بیمه خصوصی) به طور کامل جبران نکنند، دولت‌ها باید تلاش کنند تا یا از خزانه خود به بزه‌دیدگان غرامت پرداخت کنند یا راه را برای پرداخت خسارت از دیگر منابع عمومی مانند صندوق‌های پرداخت غرامت، هموار سازند.

در این رابطه موارد متعددی<sup>۱</sup> در حقوق ایران پیش بینی شده است که به دو مورد آن اشاره می‌کنیم. بر اساس ماده ۲۵۵ ق.م.ا: «هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قرائن ظنی برای قاضی بر نسبت

۱- از جمله مواد ۲۳۶، ۲۵۵، ۲۶۰، ۳۱۲، ۳۱۳ و ۳۳۲ ق.م.ا.

قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بدهد و...» و براساس ماده ۳۳۲ ق.م.ا: «هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است، ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جزء مواردی که مقتول یا مصدوم مهدورالدم نبوده، دیه به عهده بیت‌المال خواهد بود.»

نباید ناگفته گذاشت که برپایه برخی یافته‌ها، امکان دستیابی به سازوکارهای جبران خسارت هرچند در دسترس باشند، برای همه بزه دیدگان فراهم نیست. با وجود این، نظام‌های حقوقی برای جامه عمل پوشاندن به این موضوع، روش‌های گوناگونی را به کار بسته‌اند. مانند به راه انداختن درخواست جبران خسارت رهگذر پلیس و دادستانان عمومی در هلند یا امکان طرح دعوی مدنی در دادگاه کیفری که در پاره‌ای از کشورها مانند فرانسه با عنوان «شاکای خصوصی» در دسترس است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۶۶).

**۱۶- حق مجازات مجرم و درخواست تجدیدنظر از تصمیم‌های اتخاذ شده**  
واقعیت آن است که توجه به بزه‌دیده و مطالعه او از منظر نقشی که در فرآیند کیفری دارد، موضوعی جدید محسوب می‌شود و حتی تا همین دهه‌های اخیر، زیان دیده از جرم، نقش چندانی در طرح، تعقیب و به طور کلی سرنوشت فرآیند کیفری ایفا نمی‌کرد. این امر در جهان غرب محسوس‌تر می‌کند. نگاهی گذرا به تحولات حقوق کیفری، به ویژه از منظر آیین دادرسی، مسئله را شفاف‌تر خواهد ساخت.  
تفکیک منافع عمومی (جامعه) از منافع خصوصی (منافع بزه دیده) را باید بیش از هر چیز مرهون پیدایش دولت دانست. با پیدایش دولت، جرم به دو اعتبار مورد توجه واقع شد: نخست به اعتبار خساراتی که بر پیکره اجتماع وارد می‌ساخت و دوم به سبب خسارتی که متضرر از جرم یا همان بزه دیده را متأثر می‌داد. در این مرحله منافع بزه‌دیده به تبع نظم عمومی و منافع جامعه، جنبه ثانوی داشت. این وضعیت همچنان بر تاریخ حقوق کیفری حاکم بود. تا پیش از قرون معاصر، بزه دیده تنها امکان مطالبه ضرر و زیان وارد بر خویش را در قالب طرح دعوی خصوصی از محکمه

جزا دارا بود. ورود به قرن بیستم، آغاز تحولی اساسی در وضعیت بزه دیده است و به تعبیر برخی جرم شناسان<sup>۱</sup> حقوق قربانی جرم، از مهم ترین موضوعات نظام های دادرسی کیفری نوین به شمار می رود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۲۸).

البته در حقوق اسلامی که سابقه طولانی چهارده قرن دارد، بزه دیده و مجنی علیه دارای نقش فراوانی در فرآیند کیفری دارد. این نقش در مراحل مختلف حق تعقیب و مطالبه کیفر، حق گذشت، حق اعمال کیفر و حق دفاع مشروع به چشم می خورد.<sup>۲</sup>

برخی معتقدند در واقع مجازات به عنوان به رسمیت شناختن دردهای بزه دیده از سوی جامعه و جلوه های از اعمال عدالت در نظر گرفته می شود. با این حال مشکل بحث برانگیز در خصوص مشارکت بزه دیده آن است که وی به منزله مقام تعقیب ایفای نقش کند. بسیاری از نظام های حقوقی ترجیح می دهند که تعقیب پرونده ها را برعهده مقام های تعقیب آموزش دیده بگذارند. ولی نظام های حقوقی دیگر می پذیرند که مشارکت بزه دیده در تعقیب فرصتی را به بزه دیده جهت ابراز دغدغه ها و دیدگاه های خود در سراسر رسیدگی ها می دهد.

در حقوق ایران نیز در مواردی که پلیس از انجام وظایف قانونی خود از جمله رسیدگی به تظلمات و جرایم<sup>۳</sup> خودداری کند، بزه دیده و شاکی می تواند از تصمیمات پلیس مبنی بر عدم رسیدگی یا عدم تعقیب متهم شکایت کند، زیرا براساس مواد قانونی متعددی چنین امری خود جرم محسوب شده و مأموران پلیس قابل پیگرد می باشند. از جمله مواد ۱۶ و ۲۰ ق. آ. د. د. ع. ا که عدم اجرای دستورهای مقام قضایی عدم تکمیل پرونده و ارسال به مراجع قضایی توسط مأموران پلیس جرم محسوب شده و مجازات سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت یا از یک تا شش ماه حبس را به دنبال دارد.

۱- ریموند گسن جرم شناس فرانسوی

۲- برای آشنایی بیشتر با این نقش ر.ک به: حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران،

صص ۲۱۰-۲۰۵

۳- ماده ۱۸ ق. آ. د. د. ع. ا.

## خواسته‌های بزه دیدگان از پلیس

در این قسمت از تحقیق، خواسته‌های بزه‌دیدگان از پلیس را که مبتنی بر تحقیق میدانی است، تشریح می‌کنیم. این خواسته‌ها، مستخرج از مصاحبه‌هایی است که محقق با ۶۲ نفر از بزه‌دیدگان و ۱۲۶ نفر از کارشناسان انتظامی و مأموران پلیس انجام داده است.

### اول - از زبان بزه‌دیدگان

الف - یافته‌های محقق از مصاحبه‌ها

براساس مصاحبه‌هایی که محقق با ۶۲ نفر از بزه‌دیدگان در کلانتری‌ها، پاسگاه‌ها و اداره‌های آگاهی در پنج شهر تهران، کرمان، اراک، ورامین و اسلامشهر داشته است، خواسته‌های بزه‌دیدگان از پلیس به ترتیب فراوانی به شرح زیر است:

- ۱- پلیس به وقت بزه‌دیدگان ارزش و احترام قایل شده و با سرعت عمل بیشتری به پرونده‌ها رسیدگی کند.
- ۲- رسیدگی به پرونده‌ها از سوی مأموران پلیس به خوبی انجام شده و در این کار جدیت لازم را داشته باشند.
- ۳- پلیس با همت و تلاش لازم نسبت به شناسایی و دستگیری مجرم (متهم) اقدام کند.
- ۴- پلیس تعداد مأموران خود را افزایش دهد، زیرا در وضعیت موجود به علت کمبود مأمور پلیس، معطلی بزه‌دیدگان زیاد بوده و برای پیگیری‌های مربوط به پرونده‌ها، با تأخیرهای چند ساعته و حتی روزانه، مأمور در اختیار بزه‌دیدگان قرار می‌گیرد.
- ۵- برخورد مأموران پلیس با مجرمان، قاطع تر بوده و مماشات به خرج ندهند.
- ۶- پلیس با مجرمان طبق قانون برخورد کرده و از مساعدت‌های بی‌جا و غیرمنصفانه نسبت به آنان خودداری کند.
- ۷- لازم است حمایت پلیس از حقوق بزه‌دیده افزایش بیابد.
- ۸- از مأموران پلیس انتظار می‌رود نسبت به تکمیل پرونده و ارسال آن به دادسرا، سرعت عمل بیشتری به خرج بدهند.



۹- انتظار می رود حضور مأموران پلیس در صحنه ارتکاب جرم، سریع تر صورت گیرد.

۱۰- شایسته است مأموران پلیس، اطلاعات حقوقی ضروری و موردنیاز بزه دیدگان را در اختیار آنان قرار داده و نسبت به مراحل پرونده و اقدامات و پیگیری های بعدی، راهنمایی های لازم را به بزه دیدگان ارائه نمایند.

۱۱- انتظار می روند مأموران پلیس در مراحل مختلف رسیدگی به پرونده دقت کافی و لازم را مبذول نمایند.

۱۲- شایسته است مأموران پلیس، خود پیگیر پرونده بوده و آن را به تأخیر و فراموشی نسپارند. در غیر این صورت بزه دیدگان مجبور می شوند هر روز و برای هر موردی، خود به کلانتری یا اداره آگاهی مراجعه نمایند. این موضوع به ویژه برای بزه دیدگان شهرستانی که تمام یا بخشی از مراحل پرونده شان در تهران رسیدگی می شود، اهمیت بیشتری دارد.

۱۳- پلیس از بزه دیدگان در برابر تهدیدها و تهاجماتی که از سوی متهمان یا بستگان و اعضای باندهای آنان صورت می گیرد، حمایت کند.

۱۴- پلیس به منظور حمایت از بزه دیدگان و کاهش آسیب هایی که از ناحیه جرم متوجه آنان می شود، لازم است اختیارات بیشتری برای ورود به منزل و دستگیری بزه کاران یا جداسازی آنان داشته باشند.

۱۵- از پلیس انتظار می رود به منظور ترخیص خود روی بزه دیدگانی که به هر دلیلی خودرو آنان به پارکینگ منتقل می شود، مساعدت و همکاری بیشتری با آنان داشته باشد.

۱۶- شایسته است پلیس در قالب بروشور یا توضیحات حضوری، اطلاعاتی در مورد آمار کشفیات جرایم در اختیار بزه دیدگان قرار بدهد تا احساس آرامش کرده و نسبت به آینده پرونده خود نیز امیدوار گردند.

۱۷- برای آشنایی بزه دیدگان با مراحل مختلف رسیدگی به پرونده بهتر است پلیس در قالب بروشورها یا نصب بنرهایی در کلانتری ها و پاسگاه ها و نیز اداره های آگاهی، این اطلاعات را در اختیار آنان قرار بدهد.

۱۸- از پلیس انتظار می‌رود، متهمان را به ویژه در جرایم مهم به سادگی و با یک ضمانت آزاد نکنند.

۱۹- شایسته است مأموران پلیس به گونه‌ای به وظایف قانونی خود عمل کنند که بزه‌دیدگان مجبور به اقدامات خود سرانه و غیرقانونی برای استیفا حقوق خود نشوند.  
۲۰- از مأموران پلیس انتظار می‌رود با وکلای بزه‌دیدگان همکاری لازم را داشته باشند.

۲۱- انتظار می‌رود در جرایم خشونت شوهر علیه همسرش، با تماس تلفنی همسر، پلیس سریع به کمک او بشتابد.

۲۲- از مأموران پلیس انتظار می‌رود نسبت به کشف خودروهای سرقتی، همت و جدیت بیشتری به خرج بدهند.

۲۳- شایسته است مأموران پلیس در تصادفات رانندگی و نیز نزاع‌هایی که منجر به ایراد خسارت به خودرو می‌شود، نسبت به انتقال خودروها به پارکینگ عجله به خرج نداده و به طرفین فرصت صلح و سازش بدهند. زیرا اقدامات لازم برای ترخیص خودروها از پارکینگ بسیار وقت‌گیر و پرهزینه می‌باشد.

۲۴- در اجرای دستورهای دادسرا، انتظار می‌رود مأموران پلیس جدیت و سرعت بیشتری به خرج بدهند.

۲۵- انتظار می‌رود مأموران پلیس در انجام وظایف قانونی خود، از قضاوت عجولانه پرهیز کنند.

۲۶- از پلیس انتظار می‌رود در رسیدگی به پرونده‌ها از کاغذبازی و اطاله رسیدگی خودداری شود.

ب - یافته‌های سایر تحقیقات

درمورد خواسته‌ها و توقعات بزه‌دیدگان از پلیس، دو تحقیق میدانی دیگر نیز در کشور صورت گرفته است که به اختصار به نتایج آن‌ها اشاره می‌شود.

براساس یافته‌های یکی از تحقیقات انجام شده در داخل کشور<sup>۱</sup> مهم‌ترین توقعات مراجعان از پلیس که عمدتاً شاکیان و بزه دیدگان می باشند عبارت‌اند از:

- ۱- علاقه‌صادقانه برای حل مشکل ارباب رجوع.
- ۲- انجام خدمت در مهلت مقرر (سرعت عمل).
- ۳- حضور به موقع پلیس در محل وقوع حادثه.
- ۴- انجام خدمت به طور صحیح.
- ۵- سهولت در دسترسی به واحدهای اجرایی پلیس.
- ۶- تمایل زیاد برای کمک به مراجعه کنندگان.
- ۷- احساس مسئولیت و پاسخگو بودن.
- ۸- ارایه مشاوره به مراجعه کنندگان.
- ۹- داشتن دانش و اطلاعات کافی.
- ۱۰- برخورد مؤدبانه و راهنمایی مناسب مراجعه کنندگان.
- ۱۱- احساس امنیت توسط مراجعه کنندگان.
- ۱۲- استفاده از قدرت به صورت منطقی و برای انجام وظایف.
- ۱۳- همدردی با مردم بزه دیده.
- ۱۴- رعایت عدالت در رسیدگی به امور و مشکلات مراجعه کنندگان (مجیدی و انصاری، ۱۳۸۸-۷۰).

براساس تحقیق دیگری که در آن رضایت‌مندی ۱۵۰۰ نفر از ساکنان شهر تهران از رفتار کارکنان کلانتری‌ها به روش توصیفی - پیمایشی در سال ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفته است، مهم‌ترین انتظارات مردم از مأموران کلانتری‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- صداقت؛ ۲- امانت داری؛ ۳- راز داری؛ ۴- عفت کلام؛ ۵- قاطعیت در برخورد با مجرمان؛ ۶- ترک منت (منت نگذاشتن و عدم بزرگ نمایی کار انجام شده)؛ ۷- گشاده رویی؛ ۸- حفظ و حرمت و آبروی مردم؛ ۹- خویشتن داری؛ ۱۰- آراستگی وضعیت ظاهری؛ ۱۱- صحت عمل؛ ۱۲- سرعت عمل؛ ۱۳- رعایت انصاف و عدم تبعیض؛

۱- این تحقیق که تحت عنوان ابعاد شاخص‌های کیفیت خدمات انتظامی کلانتری‌ها از دیدگاه مردم انجام شده، دیدگاه مراجعان به کلانتری‌های تهران را مورد بررسی قرار داده است.

۱۴- دلسوزی؛ ۱۵- وقت شناسی؛ ۱۶- حضور به موقع در محل خدمت (مجیدی و انصاری، ۱۳۸۸: ۶۴).

## دوم - از زبان پلیس

در مورد خواسته‌های بزه‌دیدگان در بخش میدانی تحقیق به سراغ کارشناسان و مأموران انتظامی رفتیم تا از زبان و زاویه دید آنان نیز با خواسته‌های بزه‌دیدگان آشنا شویم. در این رابطه با ۱۲۶ نفر از اساتید دانشگاه علوم انتظامی، کارشناسان انتظامی و نیز رؤسای کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و اداره‌های پلیس آگاهی مصاحبه عمقی و گروهی صورت گرفت.

آنچه که مصاحبه شونده‌گان براساس تجربیات خود، به عنوان خواسته‌های بزه‌دیدگان برشمردند، به ترتیب فراوانی به شرح زیر است:

- ۱- پلیس در کلیه مراحل رسیدگی به پرونده سرعت در رسیدگی را افزایش بدهد.
- ۲- پلیس باید از بزه‌دیده حمایت نموده و احقاق حق کند، به گونه‌ای که بزه‌دیده احساس کند که پلیس و نظام عدالت کیفری حامی اوست.
- ۳- پلیس باید بزه‌دیده را راهنمایی کرده و آگاهی‌های لازم در مورد مقررات، نحوه رسیدگی، حقوق بزه‌دیده و نام و آدرس مراجعی که باید بزه‌دیده به آن‌ها مراجعه کند، در اختیار وی قرار دهد.
- ۴- انتظار می‌رود پلیس به موقع نسبت به ثبت شکایت، تشکیل پرونده و شروع به رسیدگی اقدام کند. به ویژه در مواردی که بزه‌دیده در بیمارستان بستری می‌شود، به شکایت بستگان او ترتیب اثر داده شود.
- ۵- از پلیس انتظار می‌رود به منظور جلوگیری از فرار متهم، حفظ آثار و ادله جرم و نیز امیددادن به بزه‌دیده، به ویژه در جرایم مهمی مثل قتل و سرقت مسلحانه، سریع و به موقع در صحنه ارتکاب جرم حاضر شود.
- ۶- پلیس باید در تمامی مراحل رسیدگی و اقدامات پلیسی، در انجام کار دقت داشته باشد.

۷- در برخی موارد بزه دیدگان خواسته‌هایی از پلیس دارند که یا خلاف مقررات است یا اینکه در توان و امکانات آن واحد پلیسی نیست. بازداشت یا ورود به منزل بدون مجوز مقام قضایی و احقاق حق بزه دیده در درب منزل یا محل ارتکاب جرم از جمله این خواسته‌هاست که مورد تأیید کارشناسان انتظامی نیست.

۸- انتظار می‌رود در کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرم، پلیس تلاش و همت بیشتری داشته باشد.

۹- پلیس در احضار و دستگیری متهم، تعلل و مامشات نکند.

۱۰- انتظار می‌رود در برخورد قانونی با مجرم، پلیس از اقتدار، قاطعیت و شجاعت لازم برخوردار باشد.

۱۱- از پلیس انتظار می‌رود پرونده‌ها را تکمیل شده و منطبق بر دستورهای مقامات قضایی به دادسرا ارسال کند تا مجدداً برای تکمیل عودت نشده و وقت بزه‌دیدگان تلف نگردد.

۱۲- پلیس باید اظهارات بزه دیده و شهود را دقیق و کامل ثبت کند.

۱۳- مأموران پلیس باید به وظایف و کار خود آشنا و مسلط باشند و برای رسیدگی به هر یک از جرایم (به ویژه در اداره های پلیس آگاهی) از آموزش‌های تخصصی لازم برخوردار باشند.

۱۴- گزارشی که مأموران پلیس در تحقیق از محل تنظیم می‌کنند، باید دقیق و کامل باشد.

۱۵- مأموران پلیس در انجام وظایف خود باید احساس مسئولیت کرده و از هرگونه سهل‌انگاری پرهیز کنند.

۱۶- انتظار می‌رود برای تحقیق، بدرقه متهم، اعزام به دادسرا و ... واحدهای پلیس به موقع مأمور در اختیار بزه‌دیده قرار دهند.

۱۷- پلیس برای انجام وظایف خود (ابلاغ، دستگیری، بدرقه و ...) باید خودروی کافی و مناسب در اختیار داشته باشد و هزینه رفت و آمدها به عهده بزه‌دیده قرار نگیرد.

۱۸- پلیس باید دستورهای مقام قضایی (ابلاغ، تحقیق، بازداشت و ...) را به موقع و به شکل صحیح به مورد اجرا بگذارد.

۱۹- پلیس باید در کلانتری‌ها، پاسگاه‌ها و اداره‌های پلیس آگاهی، پلیس زن نیز به‌کار گیرد تا زنان بزه‌دیده یا بستگان زنان فرد بزه‌دیده بتوانند به راحتی و با شفافیت لازم مطالب خود را اظهار کنند. به ویژه در جرایم و خشونت‌های جنسی، این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۲۰- برخی بزه‌دیدگان توقع دارند پلیس خود رأساً نسبت به اخذ تعهد یا ترساندن متهم و حتی مجازات او اقدام کند، که این امر مورد تأیید کارشناسان انتظامی نیست و خلاف مقررات است.

۲۱- پلیس برای کاهش آسیب‌های ناشی از جرم و حمایت از بزه‌دیده، باید از قدرت و امکانات پلیسی خود به خوبی استفاده کند. مانند اعلام سریع سرقت خودرو به واحدهای گشت انتظامی از طریق مرکز پیام.

۲۲- از پلیس انتظار می‌رود بزه‌دیده را از روند پرونده و اقدامات انجام شده مطلع کند.

۲۳- مأموران پلیس برای رسیدگی دقیق و کامل به پرونده، باید وقت کافی اختصاص بدهند و از اقدامات عجولانه و سرسری پرهیز کنند.

۲۴- انتظار می‌رود مأموران پلیس پرونده‌ها را تا سرانجام کار پیگیری کرده و از نیمه‌کاره رها کردن آن‌ها خودداری کنند.

۲۵- مأموران پلیس باید در جمع‌آوری ادله و مدارک جرم، تلاش و دقت لازم را به خرج بدهند.

۲۶- شایسته است در واحدهای انتظامی (کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها) به اندازه‌کافی نوشت‌افزار موجود باشد و از فرستادن بزه‌دیدگان به خارج از واحد انتظامی برای خرید پوشه یا کپی گرفتن خودداری کنند.

۲۷- لازم است پلیس با دستگاه‌های ذی‌ربط مانند دادسرا، پزشکی قانونی، اورژانس و شهرداری هماهنگی داشته باشد.

۲۸- مأموران پلیس در مواقع نیاز باید به موقع نسبت به کسب دستوره‌های مقام قضایی اقدام کنند.

۲۹- انتظار می‌رود مأموران پلیس در نگهداری یا بدرقه متهم، دقت و مراقبت‌های لازم را به عمل آورند.

۳۰- مأموران پلیس باید از بزه دیده و بستگانش در برابر تهدیدات متهم یا عوامل او، حمایت کرده و مراتب هرگونه تعدی را در پرونده درج نمایند.

۳۱- پلیس باید از امکانات و تجهیزات فنی لازم برای انجام وظایف قانونی خود برخوردار باشد.

۳۲- مأموران پلیس باید در صورت مجلس مربوط به جرایم تخریب و ایراد خسارت، میزان آسیب و خسارت را با دقت و جزئیات کامل تعیین و مشخص نمایند.

۳۳- در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها باید تابلوی راهنمای طبقات و اتاق‌ها نصب شود تا از سردرگمی بزه‌دیدگان جلوگیری شود.

۳۴- مأموران پلیس آگاهی باید افرادی تیزبین، نکته‌سنج، دقیق و خلاق باشند.

۳۵- در اداره های آگاهی باید مأموران پرونده‌ها، در دسترس بزه دیدگان بوده و امکان تماس با آنها را داشته باشند.

۳۶- سیر مراحل کار و گردش انجام امور در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها باید منظم، منطقی و کوتاه باشد.

۳۷- مأموران پلیس باید در نگهداری اوراق پرونده و ضمایم و مدارک و نیز ابزار و آلات جرم و اموال بزه‌دیدگان دقت لازم را مبذول کرده و امانت‌دار خوبی باشند.

۳۸- در جرایم علیه اموال (مانند سرقت) پلیس فقط به دنبال سارق و متهم نباشد، بلکه به دنبال به دست آوردن اموال و برگرداندن آن به بزه‌دیده نیز باشد.

### نتیجه‌گیری

۱- تا دهه‌های اخیر نظام‌های حقوقی (به ویژه قوانین آیین دادرسی کیفری) و مکاتب مختلف جرم‌شناختی، بیشتر به متهم و حقوق او توجه داشته‌اند و به حقوق و نیازهای بزه‌دیده‌ها کمتر توجه کرده‌اند.

- ۲- اندیشه حمایت از بزه دیده در دهه‌های اخیر موجب توجه جرم شناسان، قانون گذاران، مقامات قضایی و پلیس شده و اقدامات قابل توجهی در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و تأمین خواسته‌ها و نیازهای آنان صورت گرفته است.
- ۳- در راستای تحولات نوین، پیرامون توجه به بزه دیده و حمایت از او، مطالعات و تحقیقات گوناگون انجام گرفته است.
- ۴- بزه‌دیدگان جرایم مختلف، خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی دارند که لازم است مورد توجه دستگاه‌های عدالت کیفری به ویژه مأموران پلیس قرار گیرد.
- ۵- بزه‌دیده‌گان متناسب با سن، جنسیت، توانایی جسمانی و... خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی داشته و نیازمند کمک‌ها و حمایت‌های مختلفی می‌باشند.
- ۶- حقوق و نیازهای عمومی و مشترک بزه‌دیدگان عبارت‌اند از: حق تأمین امنیت و آسایش، رفتار کرامت مدار با بزه‌دیدگان، توجه به نگرانی‌ها و نظرات آنان، همدردی با بزه‌دیدگان، حفظ هویت و آبروی آنان، جبران خسارت آنها، مشارکت دادن آنان در فرآیند کیفری، کمک رسانی به بزه‌دیدگان در صحنه جرم و ساعات اولیه پس از بزه‌دیدگی، ارائه مشاوره و دادن آگاهی‌های لازم به آنان، حق دسترسی سریع و آسان به پلیس، حق دسترسی به پلیس زن برای زنان بزه‌دیده، خوش رفتاری و مهربانی پلیس با بزه‌دیدگان، حمایت عاطفی و روانی از آنان، و بالاخره کشف جرم، شناسایی و دستگیری متهمان و انجام صحیح و دقیق تحقیقات مقدماتی توسط پلیس.
- ۷- بزه‌دیدگان خواسته‌هایی از پلیس دارند که اولاً شایسته است مأموران پلیس با این خواسته‌ها بیشتر آشنا شوند و ثانیاً در جهت تأمین آن‌ها اقدام لازم را انجام بدهند.
- ۸- بزه‌دیدگان به ویژه در ساعات اولیه پس از بزه‌دیدگی نیاز به حمایت دارند، و پلیس به عنوان اولین نهادی که بزه‌دیدگان با آن تماس دارند، نقش مهمی در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و تأمین نیازها و خواسته‌های آنان دارد.



## پیشنهاده‌ها

- ۱- پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزش مأموران پلیس، مباحث آشنایی با حقوق، نیازها و خواسته‌های بزه‌دیدگان و نقش پلیس در تأمین آن‌ها گنجانده شود.
- ۲- انتظار می‌رود در زمینه حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان و نقش پلیس در تأمین آن‌ها، تحقیقات و مطالعات بیشتری صورت گیرد.
- ۳- به منظور نظارت بر رعایت حقوق بزه‌دیدگان از سوی مأموران پلیس، لازم است نظارت‌های بیشتری بر عملکرد پلیس صورت پذیرد.
- ۴- پیشنهاد می‌شود به منظور تأمین خواسته‌های بزه‌دیدگان از پلیس، که حداقل ۶۴ مورد آن از زبان خود بزه‌دیدگان و کارشناسان انتظامی در این تحقیق گردآوری شده است، برنامه‌های اجرایی لازم از سوی واحدهای مختلف و ذی ربط پلیس به ویژه پلیس پیشگیری و پلیس آگاهی تهیه و به مورد اجرا گذاشته شود.

## منابع:

- ۱- آنسل، مارک (۱۳۷۰)؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۷)؛ جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران؛ پایان نامه دوره دکترا؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۲)؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- خاکپور، محمد مهدی (۱۳۵۴)؛ جرم شناسی زنان؛ تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی.
- ۵- راب وایت و فیونا هینز (۱۳۸۶)؛ جرم و جرم شناسی؛ ترجمه علی سلیمی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۶- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)؛ بزه دیده شناسی حمایتی؛ تهران: نشر دادگستر.

- ۷- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)؛ بزه دیده در فرآیند کیفری؛ تهران: نشر خط سوم.
- ۸- ژرارلیز و ژینا فیلیزولا (۱۳۷۹)؛ بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی؛ تهران: انتشارات مجد.
- ۹- شیری، عباس (۱۳۸۶)؛ «فرآیندهای عدالت ترمیمی»؛ فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره اول (بهار) تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری.
- ۱۰- کوشا، جعفر (۱۳۸۱)؛ جرایم علیه عدالت قضایی؛ تهران: نشر میزان.
- ۱۱- مارتین رایت، تونی مارشان، مایکل مایز و دیگران (۱۳۸۴)؛ عدالت ترمیمی: ارتقاء بخشیدن رویکرد بزه دیده محوری؛ ترجمه امیر سماواتی پیروز؛ تهران: انتشارات خلیلیان.
- ۱۲- مجله حقوقی دادگستری؛ شماره ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- ۱۳- مجیدی، عبدالله و انصاری زمانی، قاسم (۱۳۸۸)؛ «ابعاد و شاخص‌های کیفیت خدمات انتظامی کلانتری‌ها از دیدگاه مردم»؛ فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره اول (بهار) تهران: دانشگاه علوم و فنون انتظامی.
- ۱۴- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۷)؛ پلیس و سیاست پیشگیری از جرم؛ تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- ۱۵- مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۴)؛ عدالت برای بزه‌دیدگان؛ ترجمه علی شایان؛ تهران: انتشارات سلسبیل.
- ۱۶- قرآن کریم.
- ۱۷- قانون اساسی.
- ۱۸- قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب.
- ۱۹- قانون مجازات اسلامی.
- ۲۰- مجموعه قوانین سال ۱۳۸۳.

21- Farajiha Ghazvini, Mohamad (2002). Police protection to Victims of crime, Deep and Deep publication , New Dehli.

22 – Guide for policy makers on the implementation of the united Nation Declaration of basic principles of justice for victims of crim and abuse of power(1999), New york: UNODCCP.

23- Hoyle, Carolyn (2008). Restorative justice, victims and the police, Hand book of policing , willan publishing , London.

